پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته تهیه‌کنندگی گرایش نمایش

بررسی تعامل جنبه‌های سینمایی و مردم‌شناسی در مستند مردم‌نگار
(با مطالعه موردی مستندهای مردم نگار فرهاد ورهرام)

دانشجو:

سید عباس ضیائی هاشمیان مقدم

استاد راهنما:

دکتر محمود اربابی

استاد مشاور:

همایون امامی

تابستان 1390

بسم الله الرحمن الرحيم

چکیده

این تحقیق به بررسی جنبه‌های سینمایی و جنبه‌های مردم‌شناسی «مستند مردم‌نگار» می‌پردازد. عناصر ساختاری چون صدا، تصویر، میزانسن، گفتار، موسیقی و تدوین که از آن‌ها به عنوان جنبه‌های سینمایی نام برده شده است در تعامل با جنبه‌های مردم‌شناسی ویژگی‌های خاصی می‌یابند که در این تحقیق به آن‌ها پرداخته شده است.

در سینمای مردم‌شناسی با دو دسته آثار روبرو می‌شویم؛ دسته اول، آثار مردم‌شناسان است که گرچه از لحاظ علمی و روش‌های پژوهشیِ مردم‌شناختی دارای ارزش بالایی هستند، اما فاقد اعتبار هنری سینمایی می‌باشند و نمی‌توان آن‌ها را «فیلم مستند» نامید. دسته دوم، آثار فیلم‌سازان است که با وجود رعایت اصول فنی و هنری فیلم‌سازی، فاقد ارزش‌های علمی مردم‌شناسی هستند.

فیلم مستند مردم‌نگار، حوزه‌ای میان رشته‌ای و محل تلاقی علم و هنر است که در آن باید شروط انتساب به هنر سینما و دانش مردم‌شناسی را رعایت کرد. فیلم‌سازان باید مردم‌نگارانه یا علمی فکر کنند و مردم‌شناسان باید سینماگرانه یا بصری بیندیشند. برای رسیدن به ترکیبی مناسب بین ارزش‌های زیباشناسی سینما و ارزش‌های علمی مردم‌شناسی در فیلم مردم‌نگار، تعامل فیلم‌ساز و مردم‌شناس ضروری به نظر می‌رسد.

هدف از این تحقیق، شناسایی ویژگی‌های مستند مردم‌نگار از دیدگاه فیلم‌سازان و مردم‌شناسان و همچنین بررسی تفاوت بین مستند مردم‌نگاری و مردم‌شناسی است.

این پژوهش با روش اسنادی و نیز مصاحبه با کارشناسان سینما و مردم‌شناسی و با هدف ارائه الگوی مناسب جهت تولید مستند مردم‌نگار در تلویزیون، به بررسی این ویژگی‌ها می‌پردازد.

این تحقیق به بررسی جنبه‌های سینمایی و مردم‌شناسی سه مستند "نخل"، "تاراز" و "پیرشالیار" اثر فرهاد ورهرام می‌پردازد.

به طور کلی نبود سیستم صحیح تولید، تعامل فیلم‌ساز و مردم‌شناس و پژوهش تخصصی از مهم‌ترین دلایل افت کیفیت مستندهای مردم‌نگار در ایران می‌باشند.

واژگان کلیدی: جنبه‌های سینمایی، مردم‌شناسی، فیلم مستند، مستند مردم‌نگاری، مستند مردم‌شناسی

فهرست مطالب

عنوان..... صفحه

1-فصل اول: کلیات تحقیق.....1

1-1- طرح مساله.....2

1-2-ضرورت تحقیق.....3

1-3-اهداف تحقیق.....4

1-4-سوالات تحقیق.....4

1-5- فرضیه تحقیق.....4

1-6-مفاهیم تحقیق.....4

2-فصل دوم :پیشینه و مبانی نظری تحقیق.....7

2-1-پیشینه.....8

2-2- مبانی نظری تحقیق.....9

2-2-1-فیلم مستند.....9

2-2-2- فیلم مردم‌نگار (اتنوگرافیک).....13

2-2-2-1- تاریخچه مستند اتنوگرافیک در جهان.....18

2-2-2-2- تاریخچه مستند اتنوگرافیک در ایران.....30

2-2-3- مردم‌نگاری.....34

2-2-4- مردم‌شناسی.....37

2-2-5- انسان‌شناسی.....39

2-2-6- انسان‌شناسی تصویری.....42
2-2-7- فیلم مردم‌نگار از دیدگاه کارل هایدر.....45
2-2-8- ژان روش و نهضت جدید سینمای مردم‌نگار.....47
3-فصل سوم: روش تحقیق.....51
3-1- روش تحقیق.....52
4-فصل چهارم: یافته‌های تحقیق.....55
4-1- مقدمه.....56
4-2- جنبه‌های سینمایی.....57
4-2-1- تصویر در فیلم مردم‌نگار.....57
4-2-2- میزانسن و جایگاه دوربین در فیلم مردم‌نگار.....59
4-2-3- صدا در فیلم مردم‌نگار.....60
4-2-4- موسیقی در فیلم مردم‌نگار.....60
4-2-5- گفتار متن در فیلم مردم‌نگار.....61
4-2-6- تدوین در فیلم مردم‌نگار.....63
4-2-7- جلوه‌های ویژه در فیلم مردم‌نگار.....68
4-3- قلمرو موضوعات و جنبه‌های مردم‌نگاری و مردم‌شناسی.....69
4-4-تعامل جنبه‌های سینمایی و مردم‌شناسی در مستند مردم‌نگار.....72
4-5-بازشناسی برخی تعاریف: فیلم مردم‌نگاری، مستند مردم‌نگاری، مستند مردم‌شناسی.....74
4-6-فیلم‌های مردم‌شناسان: قربانی کردن فرم.....83

4-7- فیلم‌های مستند سازان: قربانی کردن محتوی.....84
4-8- تعامل فیلم‌ساز و مردم‌شناس یا تربیت فیلم‌سازِ مردم‌شناس.....85
4-9- مطالعه موردی آثار.....92
4-9-1- معرفی فرهاد ورهرام.....92
4-9-2- بررسی فیلم نخل.....93
4-9-2-1- روند تولید فیلم نخل.....94
4-9-2-2- نقد فیلم نخل.....96
4-9-3- بررسی فیلم تاراز.....104
4-9-3-1- روند تولید فیلم تاراز.....105
4-9-3-2- نقد فیلم تاراز.....108
4-9-4- بررسی فیلم پیرشالیار (عروسی مقدس).....117
4-9-4-1- روند تولید فیلم پیرشالیار.....117
4-9-4-2- نقد فیلم پیرشالیار.....119
5-فصل پنجم: بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها و محدودیت‌ها.....128
5-1- بحث و نتایج.....129
5-2- محدودیت‌ها.....140
5-3-پیشنهادها.....141
فهرست منابع و مآخذ..... 143

پیوست.....145

الف- بیوگرافی فرهاد ورهرام.....146

ب - مصاحبه نگارنده با فرهاد ورهرام.....156

فصل اول

کلیات تحقیق

1-1- طرح مساله

پیش از پیدایش سینما، در سال 1888 بسیاری از دانشمندان از فنون تصویر متحرک برای پژوهش‌های علمی بهره جستند. ژول ماری[1] از تفنگ کرونوفوتوگرافیک خودش، برای مطالعه علمی بر طبیعت و ثبت حرکات پرندگان و حیوانات بهره برد. همچنین دو تن از شاگردان او، دکتر فیلیکس رنیو[2] و دکتر شارل کنت[3] که علاقه‌مند انسان‌شناسی بودند از تفنگ ماری برای مطالعه در رفتارشناسی انسان‌های اقوام ابتدایی بهره گرفتند. در سال 1895 سینما و دوربین فیلم‌برداری با هدف مطالعه بهتر پدیده‌های طبیعی توسط برادران لومیر اختراع شد و زمانی که آنها فیلم‌برداران خود را به تمامی نقاط جهان می‌فرستادند، هدف آنها همواره تهیه اسناد علمی بود. پس از پیدایش سینما نیز بسیاری از تصاویر توسط جهانگردان، بازرگانان، نظامیان، مبلغان مذهبی و دیگران از گوشه کنار جهان و از مردمان عجیب و غریب تهیه شد.

می‌توان ادعا کرد که سینما و مردم‌شناسی با هم متولد شدند و با هم مسیر پیشرفت را طی نمودند. بسیاری از دانشمندان انسان‌شناسی و مردم‌شناسی از سینما به عنوان ابزار در جهت پیشرفت تحقیقات خود استفاده می‌کردند. استفاده از فیلم و عکس و مستندهای تولید شده در ارائه مطالعات انسان‌شناختی کم‌کم باعث پدید آمدن حوزه‌ی خاصی از انسان‌شناسی شد که به نام انسان‌شناسی[4] بصری شناخته می‌شود. انسان‌شناسی بصری به طور ویژه، حوزه‌ای است که به بهره‌گیری از ادوات بصری در ثبت و ارائه‌ی داده‌های مردم‌نگارانه به کار می‌رود.

مسلماً استقلال و خودبسندگی فیلم و توسعه صنعت سینما و متون سینمایی در برجسته کردن فیلم در انسان‌شناسی بصری تاثیر داشته‌اند؛ به هر حال امروزه مستندهای مردم‌نگارانه[5] گونه‌ای متمایز و مشخص از فیلم‌سازی را شامل می‌شوند. گرچه تلقی از این گونه فیلم‌ها ممکن است متفاوت باشد؛ رویکردی انسان شناختی، آن را یک متن تصویری مردم‌نگارانه تلقی کرد. از نگاهی می‌توان این تقابل

1- Marey
2- Regnault
3- Charles Commet
4- Visual Anthropology
5- Ethnographic

رویکردی، نسبت به فیلم مردم‌نگارانه را که همواره محل جدال بین مردم‌شناسان و فیلم‌سازان بوده در این تحقیق بررسی کرد و به بازشناسی ویژگی‌ها و خصوصیات مستند مردم‌نگار پرداخت به گونه‌ای که هم انتظارات مردم‌شناسان را از فیلم برآورده کند و هم واجد ارزش‌های هنری باشد تا بتوان آن را فیلم نامید. «در وضع مطلوب، فیلم مردم‌نگارانه هنر و مهارت فیلم را با عقل کار آموخته و بصیرت مردم‌نگارانه ترکیب می‌کند» (هایدر،1385، ص13).

2-1- ضرورت تحقیق

در قرن حاضر و با گذار از دنیای صنعتی به دنیای ارتباطی، شاهد روند رو به پیشرفت ابزار اطلاعاتی و رسانه‌های جمعی از جمله سینما، تلویزیون، ماهواره، اینترنت و... هستیم. این تحولات تکنولوژیکی خود سبب‌ساز تغییر در سبک زندگی و یکسان‌سازی زبان و شکل زندگی جوامع بشری و در نتیجه موجب از بین بردن بسیاری از جوامع کوچک بشری، فرهنگ‌ها، خرده فرهنگ‌ها، زبان، آداب و رسوم، آیین‌ها و.... شده‌اند.

در ایران با توجه به تنوع نژادها، گونه‌ها، فرهنگ‌ها، و آئین‌های مختلف که بی‌نصیب از تغییرات تکنولوژیکی نمانده، ما شاهد بیگانگی مردم نسبت به میراث فرهنگی، سنتها و آیین‌های خود هستیم و به مرور باعث به خطر افتادن هویت فرهنگی‌مان می‌شود. لذا لزوم پرداختن به سینمای مردم‌شناسی و تولید مستندهای مردم‌نگار اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. توجه به این مستندها هم حاوی ارزش‌های علمی مردم‌شناسی و هم واجد جنبه‌های هنر سینمایی است. تلویزیون به عنوان مهم‌ترین و پر مخاطب‌ترین رسانه‌ی جمعی که توده‌ی عظیم مخاطبان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، می‌تواند در جهت زنده نگه‌داشتن ارزش‌های فرهنگی و بومی و آشنایی هرچه بیشتر مردم با هویت ملی خویش و ایجاد وحدت میان آحاد ملت مؤثر واقع شود.

وجه تطبیقی این تحقیق، به بررسی جنبه‌های مردم‌شناسی و سینمایی در آثار فرهاد ورهرام بازگشته و با بازتاب تجربیات او در این عرصه، منظر عملی‌تری پیش چشم مخاطبان این پژوهش قرار خواهد گرفت.

1-3-اهداف تحقیق

هدف از این تحقیق بازشناسی ویژگی‌های مستند مردم‌نگار از دیدگاه مردم‌شناسان و فیلم‌سازان و همچنین بررسی تفاوت ماهُوی مستندهای مردم‌نگاری و مردم‌شناسی است. از دیگر اهداف این تحقیق کمک به شناخت الگوی مناسب برای تولید فیلم مردم‌نگار برای تلویزیون است.

1-4-سؤالات تحقیق

با توجه به اهداف مطرح شده سؤالات اصلی تحقیق به شرح ذیل می‌باشد:

1- آیا تفاوتی بین فیلم مردم‌نگاری و فیلم مردم‌شناسی وجود دارد؟ این تفاوت‌ها چیست؟

2- آیا مستند مردم‌نگار باید خود را به ارزش‌های هنری متعهد بداند یا به نیازهای مردم‌شناسانه؟

3- مستندهای فرهاد ورهرام از چه جنبه‌های هنری و مردم‌شناسی برخوردار است؟ و نیز در راستای برقرای تعامل جنبه‌های سینمایی و مردم‌شناسی از چه موقعیتی برخوردار است ؟

1-5- فرضیه تحقیق

فرضیات تحقیق به شرح ذیل می‌باشد :

1-عدم تعامل بین مستندساز و مردم‌شناس از موانع عمده رشد مستند مردم‌نگار در ایران محسوب می‌شود.

2-در مستند مردم‌نگار باید به ترکیبی از ارزش‌های هنری و نیازهای مردم‌شناسانه توجه داشت.

3-مستندهای مردم‌نگار فرهاد ورهرام از تعامل لازم بین جنبه‌های سینمایی و مردم‌شناسی برخوردار می‌باشند.

1-6- مفاهیم تحقیق:

مفاهیم اصلی این تحقیق عبارتند از: «فیلم مستند»، «فیلم مردم‌نگار»، «مردم‌نگاری»، «مردم‌شناسی»، «جنبه‌های سینمایی»، «جنبه‌های مردم‌شناسی».

با توجه به این که در فصل دوم و فصل چهارم مفاهیم تحقیق به طور کامل مورد بررسی قرار می‌گیرد، لذا در اینجا فقط تعریف کوتاهی از هر کدام ارائه شده و برای توضیحات کامل به بخش مربوط ارجاع داده می‌شود.

فیلم مستند: اتحادیه جهانی فیلم مستند (1948) می‌گوید:

«تمام روش‌هایی که برای ثبت هر واقعیت تفسیری بر نوار فیلم -چه از صحنه‌ی واقعی و چه به کمک بازسازی صادقانه صحنه‌های اصلی- به کار می‌رود مستندسازی نام دارد. فیلم مستند متوسل شدن به استدلال و احساسات برای ایجاد یک تحریک دلخواه، گسترش معلومات انسانی، برخورد واقع‌گرایانه با مسائل و یافتن راه حل آنها در زمینه اقتصادی، فرهنگی و روابط انسانی است (نفیسی، 1357، ص25).

فیلم مردم‌نگاری: تمایل بارز و حرفه‌ای در میان انسان‌شناسان تصویری است، هیچ معیار مورد توافقی درباره تعریف این گونه وجود ندارد و فرضی عمومی این است که چنین فیلمی، مستندی درباره مردمان عجیب و غریب خارجی است و به این وسیله به طور وسیع اصطلاح مردم‌نگاری را در مورد هر گزاره‌ای دربارهٔ فرهنگ به کار می‌برند. برخی دانشمندان (از جمله هایدر[1]-1976) معتقدند که تمام فیلم‌ها، اتنوگرافیک هستند، در حالی که دیگران (از جمله رابی[2]-1976) آرزو دارند این اصطلاح را به فیلم‌هایی که توسط انسان‌شناسان یا به همراهی آنها تهیه شده، اطلاق کنند (رابی، 1387، صص 1345-1351).

مردم‌نگاری: عبارت است از یک کار توصیفی مشاهده‌ای و نوشتاری که در طی آن توصیف تجربی (از ریشه Graphein یونانی به معنی توصیف) از داده‌ها و اسناد به شکل ثبت وقایع انسانی، ترجمه و طبقه‌بندی عناصر مهم برای درک جامعه یا نهاد مورد مطالعه، انجام می‌گیرد (ریویر، 1386، ص 26).

مردم‌شناسی: وظیفه کارکردن بر مواد گردآوری شده به وسیله مردم‌نگاری را بر عهده دارد. برای این امر مردم‌شناس پس از تحلیل و تفسیر این مواد، آن‌ها را در سطح یک تألیف نظری که خود بر مطالعات تطبیقی استوار است، بررسی نموده و با ساخت الگوهایی، خواص صوری آن‌ها را مورد بررسی و پژوهش قرار می‌دهد. (ریویر، 1386، ص 26).

1- karl .G. Heider

2- Jay Ruby

جنبه‌های سینمایی: مراد هر تمهیدی است که امروزه به عنوان بیان سینمایی مطرح است. کاربرد مباحثی چون مونتاژ، کمپوزیسیون، میزانسن، رنگ، نور و... و به عبارتی دیگر مجموعه قواعدی که بیان سینمایی را از دیگر بیان‌های هنری متمایز می‌سازد (همایون امامی، ارتباط شخصی، 5 دی 1389).

جنبه‌های مردم‌شناسی: منظور کلیه قواعدی است که متناسب با روش علمی تحقیق مردم‌شناسی، پژوهش‌هایی از این دست را از سایر پژوهش‌های علمی (پژوهش‌های اجتماعی، ادبی، تاریخی و....) متمایز می‌سازد (همایون امامی، ارتباط شخصی، 5 دی 1389).

فصل دوم

مبانی نظری تحقیق

2-1- پیشینه تحقیق

شهاب‌الدین عادل در کتاب «**سینمای قوم پژوهی**» (1379) به تاریخچه قوم‌پژوهی و سینمای مستند می‌پردازد و سپس به سینمای انسان‌شناسی اشاره می‌کند و بخشی از کتاب انسان‌شناسی فیلمیک اثر کلودین دوفرانس را بررسی می‌کند و در انتها به بررسی تاریخچه و نقد قوم‌پژوهی و روش‌شناسی آن در ایران می‌پردازد. همایون امامی در کتاب «**سینمای مردم شناختی ایران**» (1385) پس از تعریف کلیات درباره مردم‌شناسی به پیشینه سینمای قوم‌پژوهی در ایران و جهان می‌پردازد و سپس به نقد مهم‌ترین آثار قوم‌پژوهی در سینمای مستند ایران همت می‌گمارد. این کتاب بیشتر نقدی بر قوم‌پژوهی در سینمای مستند ایران است.ناصر فکوهی در کتاب «**درآمدی بر انسان شناسی تصویری و فیلم اتنوگرافیک**» به گردآوری و ترجمه مقالاتی درباره ژان روش و بخش‌هایی از کتاب فیلم اتنوگرافیک او می‌پردازد. کتاب «**فیلم مردم‌نگار**» نوشته کارل هایدر در سال 1976 که توسط مهرداد عربستانی در سال 1385 ترجمه گردیده است. کتاب مذکور قطعاً کتابی است پایه‌ای در زمینه فیلم مردم‌نگارانه و تألیف آن به دست شخصی که هم انسان‌شناس بوده و تجربه کارهای میدانی طولانی مدت داشته و هم پژوهش‌های میدانی‌اش را به فیلم مردم نگارانه تبدیل کرده است. این کتاب یکی از منابع اصلی و چارچوب نظری این تحقیق می‌باشد.

با بررسی و جستجوهای انجام شده در کتاب‌ها، مقالات، سایت‌های اینترنتی و پایان نامه‌های رشته‌های مرتبط، تاکنون تحقیقی به زبان فارسی با عنوان تعامل جنبه‌های مردم‌شناسی و سینمایی در مستندهای مردم‌نگار خصوصاً در زمینه آثار فرهاد ورهرام صورت نگرفته است.

اما در زمینه فیلم مردم‌نگار چند تحقیق صورت گرفته که از این میان می‌توان به چند پایان نامه به نام‌های «نگرش بر سینمای مردم‌نگاری» دانشکده سینما و تئاتر دانشگاه هنر از شیوا دوستانی، «بررسی مستندهای ساخته شده در مورد زرتشتیان در ایران (با تاکید بر قوم‌نگاری)» دانشکده صدا و سیما توسط محسن غفوری و «بررسی و مقایسه فیلم‌های مستند مردم‌نگار (اتنوگرافیک) پیرامون کوچ در ایران» توسط خانم شیوا منتظری بنیاد ایران شناسی دانشگاه شهید بهشتی اشاره کرد.

2-2- مبانی نظری تحقیق

2-2-1- فیلم مستند

ژان لوک گدار[1]: یک بار برای همیشه این مساله را روشن می‌کنم، بهترین فیلم‌های داستانی حالتی مستند گونه دارند و بهترین فیلم‌های مستند گرایش به تخیل... و هر کسی بخواهد یک نوع از این فیلم را بسازد، باید بداند که الزماً دست به ساخت آن نوع دیگر هم زده است (گوتیه، 1384، ص 11).

علی‌رغم نظر گدار برای پایان دادن به بحثی که سالیان دراز دست‌اندرکاران سینما را به خود مشغول کرده؛ که واقعاً فیلم مستند چیست؟، اما به نظر می‌رسد هنوز این سئوال پاسخ روشنی دریافت نکرده است، چنان که میران بارسام می‌گوید: «آشناترین اما مبهم‌ترین و غیرقابل فهم‌ترین اصطلاح در فرهنگ سینمایی، واژه «مستند» است» (بارسام، 1362، ص13).

سالهای طولانی است که افراد و نهادها سعی در تبیین این نوع فیلم داشته‌اند و نتایج حاصل گاه آن قدر با هم فاصله دارد که می‌توان در بین دو نظریه طیفی از انواع گونه‌های سینمایی را گنجاند. بعضی از تعاریف حوزه فیلم مستند را بسیار گسترده و گاه همه سینما می‌دانند و بعضی تعاریف سعی در محدود کردن حوزه این نوع فیلم دارند.

اندرو ساریس[2] منتقد و نظریه‌پرداز معروف آمریکایی در این باره دیدگاه جالبی دارد. او تمامی آثار سینمایی اعم از داستانی و غیرداستانی را واجد شرایطی می‌داند که می‌توان به آنها عنوان فیلم مستند را اطلاق نمود، چنان که می‌گوید:

«همه فیلم‌ها از نوع مستند است زیرا به هر حال هر یک از آنها استنادی است به کسی، چیزی، زمانی یا جایی» (رفیعا،1380، ص148).

رابین وود منتقد سرشناس، سینمای مدرن را ترکیبی آمیخته از گونه مستند و داستانی می‌داند و اظهار نظر می‌کند که: «تا اطلاق عنوان مستند بر تمام فیلم‌ها فقط گام کوتاهی باقی مانده است. ... فیلم‌سازان هم می‌توانند چنان از داستانی به مستند و به عکس نقل مکان کنند که تقسیم‌بندی خشک را مسخره جلوه دهند» (وود، 1380، ص385).

در مقابل این تعریف افرادی سعی کرده‌اند که محدوده فیلم مستند را کمتر کرده و شخصیتی منحصر

1- Jean-Luc Godard

2- Andrew Sarris

به آن بدهند، مثلاً «پل روتا، فیلم مستند را فیلمی که زندگی واقعی مردم را به نحوی خلاق با توجه به شرایط اجتماعی نمودار می‌سازد می‌داند» (نفیسی، 1357، ص 5). یا تلاش‌های گروهی، که سعی داشته‌اند استانداردهایی برای این نوع فیلم تعیین کنند.

آکادمی هنرها و علوم سینمایی آمریکا فیلم مستند را به شرح زیر تعریف می‌کند: « فیلم مستند فیلمی است که موضوع‌های تاریخی، اجتماعی، علمی و اقتصادی را بررسی می‌کند. فیلم‌برداری مستند یا در هنگام وقوع حوادث یا بعداً توسط بازسازی آنها انجام می‌گیرد. در این نوع فیلم اهمیت محتوای واقعی بیشتر از محتوای سرگرم کننده است» (نفیسی، 1357، ص 5).

و یا اتحاد جهانی فیلم‌های مستند در سال 1948 اعلام می‌کند:

> فیلم مستند شامل تمام روش‌هایی است که برای ضبط جنبه‌های مختلف واقعی روی نوار فیلم به کار می‌آورند. این گونه فیلم احساس و تفکر را برمی‌انگیزد و گزارش حقیقی و راستینی از واقعیت ارائه می‌دهند یا به تفسیری صادقانه و موجه پس از رخ دادن رویدادها اکتفا می‌کنند. هدف این فیلم‌ها برانگیختن میل و رغبت تماشاگر نسبت به توسعه دانش و ادراک خود و مطرح کردن واقعی مسائل گوناگون زندگی و ارائه راه حل‌های آنها از نقطه نظرهای فرهنگی است (نفیسی، 1357، ص25).

اما به نظر می‌رسد چنین تعاریفی بیشتر از آن که راه‌گشا باشند مبهم و منحرف کننده‌اند. در نظر عده‌ای این ابهام در خود واژه مستند است که باعث اشکال در تعاریف گردیده است.

می‌توان در این مورد -ابهام- از گریرسون و کتاب مرجعش Gerierson on documentary film یاد کرد. او می‌نویسد: «اصطلاح مستند یک توصیف نارسائی [از واقعیت] است اما بودن آن بهتر از نبودنش است»[1] (Garierson, 1946, P.35)

> چنانچه منوچهر طیاب می‌گوید: اگر به این نوع از فیلم‌ها عنوان مستند اطلاق کنیم به تعریف جامعی برای کلیه فیلم‌هایی که در آن محدوده ساخته شده‌اند، نمی‌رسیم... خسرو سینایی همانجا می‌گوید: مفهوم واژه مستند با رابطه سینما و ذهن خلاق هنرمند مغایرت پیدا می‌کند، به همین دلیل من اصطلاح سینمای مستقل را به جای سینمای مستند پیشنهاد می‌کنم یعنی سینمای مستقل از داستان، هنرپیشه و غیره (تهامی‌نژاد،1381،ص 18).

1. Documentary is a clumsy description, but let it stand.

در این میان نوع دیگری از تعاریف نیز وجود دارند که با تاکید بر وجود امر واقع در فیلم مستند این ویژگی را عاملی برای تفکیک این نوع فیلم از دیگر گونه‌های سینمایی می‌دانند و به نظر می‌رسد تا حدودی -و نه بطور کامل- تعریف مستند را امکان پذیر می‌سازند:

> اگر چه اصطلاح «مستند» برای مشخص کردن صفت نوعی از فیلم، اصطلاحی کلی و نسبتاً مبهم است اما آنچه این اصطلاح در وهله نخست به ذهن متبادر می‌کند، این است که موضوع مورد نظر واقعی است یا موضوعی که در فیلم به نمایش درآمده، واقعیت دارد (ضابطی جهرمی،1387،ص 229).

> استناد فیلم مستند بر واقعیت در حال رخ دادن یا بر بازسازی واقعیات گذشته است، البته تفاوت عمده این نوع فیلم با فیلم داستانی در نوع و زمینه‌های تخیل است؛ در فیلم مستند هنرمند مستندساز بیشتر از فیلم‌های داستانی امانت‌دار واقعیت است و سعی می‌کند کمتر توهم خلق کند. او تخیل را بر جهان واقع استناد می‌دهد در حالی که فیلم‌ساز داستانی تخیل را به عنوان امری واقعی به تصویر می‌کشد... می‌توان گفت که میان سازنده فیلم مستند و فیلم داستانی از این نظر تفاوت وجود دارد که هر یک از این دو نسبت به موضوعی که درباره آن فیلم می‌سازند موضعی متفاوت اختیار می‌کنند؛ سازندگان فیلم مستند موضعی واقع‌نمایانه اختیار می‌کنند در حالی که موضع متعارف هنرمند داستان پرداز موضعی قصه‌گویانه است. وقتی خالق یک اثر موضعی قصه‌گویانه اختیار می‌کند، از تماشاگر می‌خواهد که جریان امور را جریانی در نظر بگیرد که به خاطر او ساخته و پرداخته شده است اما کسی که موضعی واقع‌نمایانه دارد ادعا می‌کند که جریان امور خواه فیلم مستند ساخته می‌شد یا نمی‌شد به همین صورت روی می‌داد (کازبیه،1382، ص111).

و البته این تاکید بر واقعیت که در فیلم مستند مطرح می‌شود با عنصر تخیل که از اجزای جدایی ناپذیر آثار هنری است، منافاتی ندارد.

> فیلم مستند وابسته به واقعیت است و موضوعات تخیلی در آن جایی ندارد اما مثل هر شکل هنری دیگری تخیل جزء ذاتی خلاقیت هنرمند مستندساز است. به بیان دیگر موضوع فیلم مستند، بدون وجود فیلم، دوربین و فیلم‌ساز در جهان خارج و عالم واقع وجود داشته و دارد اما بدون تلقی شخصی هنرمند یا بدون نگاه سینمایی مستندساز و بکارگیری روش‌ها و ابزارهای بیان هنری او شکل هنری ندارد (ضابطی جهرمی، 1387، ص 239).

و در نهایت تعریفی که کم اشکال‌ترین بیان را از فیلم مستند دارد و صاحب‌نظران این حوزه آن را مناسب‌ترین تعریف می‌دانند همان است که به جان گریرسون انگلیسی منتسب است:

فیلم مستند "تفسیر خلاق واقعیت" است (نفیسی، 1357، ص35).

گریرسون هیچگاه چنین مفهومی را به قلم و زبان خود جاری نساخته بلکه این اصطلاح برساخته راویان از گریرسون است. بیل نیکولز در کتاب " Blurring the Boundaries " می‌گوید خیلی شگفت آور است که چطور این عبارت غلط به یاد آورده می‌شود.علاوه بر این اگر چنین تعریفی از گریرسون باشد، لازم است ترجمه این عبارت به فارسی نیز مورد بازنگری قرار گیرد (غمخواری، 1389، ص 10).

2-2-2- فیلم مردم‌نگار (اتنوگرافیک)[1]

> واژه اتنوگرافی و صفت آن اتنوگرافیک در زبان فارسی، مردم‌نگاری ترجمه شده است. این واژه پیش از این به قوم‌نگاری، قوم‌پژوهی و قوم‌نگاشتی هم برگردانده شده است. غالباً از خود می‌پرسم که چرا علی‌رغم دلایل چندی برای ترجمه اتنوگرافی به روش مردم‌نگاری باز هم در ایران روی ترجمه اتنوگرافی و اتنولوژی به قوم‌نگاری و قوم‌پژوهی اصرار وجود دارد؟ در عین حال که به دلایل شخصی یا حتی زبان شناختی، واژه ترکیبی اتنوگرافیک فیلم، به صورت «فیلم قوم‌نگاری» برگردانده می‌شود، اما غالباً از خود می‌پرسم که چطور می‌شود مفهوم قوم به اضافه نگاشتن را به نگاریدن موضوعات غیر قومی (مثلاً شهری) اطلاق کرد به نحوی که واژه «قوم و قبیله» دارای بار سمبولیک باشد... این بحث به معنای پرسش از پژوهش قومی (درباره گروه انسانی دارای منشأ مشترک -اعم از خیالی یا واقعی- سرنوشت مشترک، احساس مشترک و انحصار نسبی منابع ارزش‌مند مشترک (پاداش، زور، احترام، معرفت) که در ارتباط با سایر گروه‌ها و اقوام بر اساس رموز و نمادهای فرهنگی در یک میدان تعامل درون گروهی با کسب هویت جمعی مبدل به «ما» می‌شوند) نیست (تهامی‌نژاد، 1387، ص3).

دلیل طرح این مسأله پنهان ماندن و یا در سایه قرار گرفتن یک شیوه پژوهش تحت این عنوان است، زیرا شکلی از تحقیق را به یکی از موضوعاتش کاهش می‌دهد.

در این هفتاد و اندی سال (ورود این اصطلاحات به کشور ما و ترجمه آنها)، شکل واژگان آنتروپولوژی، اتنولوژی، اتنوگرافی در زبان مبدأ ثابت بود، تعاریف کم و بیش تغییر کرده است، اما در کشور ما معادل‌ها هم تغییر کرده‌اند.

«تعریف اصطلاح فیلم مردم‌نگاری (اتنوگرافیک فیلم) نیز با همان روند تعریف اصل واژه روبرو بوده است» (تهامی‌نژاد، 1387، ص8).

سال 1948، آندره لرواگوران، پس از برگزاری نخستین کنگره فیلم اتنوگرافیک در گاهنامه جغرافیای انسانی و مردم‌شناسی پرسش را به این صورت مطرح کرد:

> آیا چیزی به نام فیلم مردم‌نگاری (اتنوگرافیک) وجود دارد؟... ظاهراً چنین است زیرا ما توانسته‌ایم بیش از 60 حلقه فیلم، که کما بیش جنبه‌های مردم شناختی دارند، گرد بیاوریم.

1- Ethnographic Film